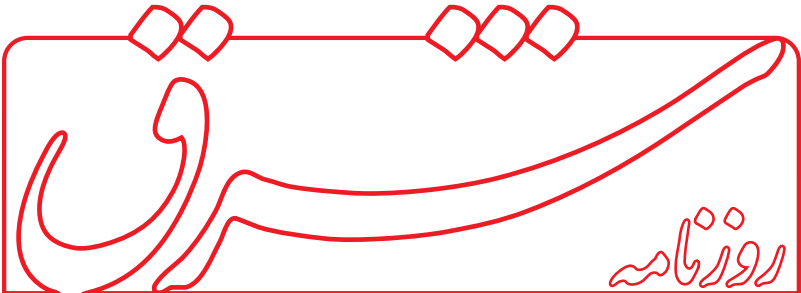




روزنامه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، ورزشی صبح ایران
صاحب امتیاز و مدیر مسئول: مهدی رحمانیان
نشانی: میدان آرژانتین، خیابان الوند، کوچه آرشیبا، پلاک ۶
تلفن: ۸۸۶۵۴۳۹۰ و ۸۸۸۰۷۱۹ نمابر: ۸۸۸۰۷۱۹ تلفن آگهی‌ها: ۸۸۱۹۲۸۷۷
امور مشترکین: تلفن: ۸۸۸۱۴۳۳-۳۳
توزیع: شرکت پیام‌سان پیروز تلفن: ۵-۶۶۲۷۲۱۳۰
چاپ: گلریز تلفن: ۶۶۷۹۵۴۴۲
www.sharghdaily.ir

تهران: اذان ظهر ۱۱:۵۷ اذان مغرب ۱۷:۱۱ اذان صبح فردا ۵:۲۴ طلوع آفتاب ۷:۰۴



سه‌شنبه ۱۹ آذر ۱۳۹۲ ۷ صفر ۱۴۳۵ ۱۰ دسامبر ۲۰۱۳ سال یازدهم شماره ۱۹۰۲ ۱۶ صفحه

انتخاب هیات مدیره مستندسازان «خانه سینما»

شرق: جمع زیادی از سینماگران شناخته‌شده نظیر رخشان بنی‌اعتماد، همایون آملی و مجتبی میرطهماسب در مراسم انتخابات هیات مدیره انجمن مستندسازان در سالن سیف‌الله‌داد «خانه سینما» حضور یافتند. پس از شمارش ۱۴۶ رای، از میان ۱۳ نامزد، ابراهیم مختاری با کسب ۱۲۸ رای در جایگاه نفر اول مجمع قرار گرفت و مهرداد زاهدیان با ۹۵ رای، ناصر صفاریان با ۹۰ رای، بهرام عظیم‌پور با ۸۹ رای و ناهید رضایی با ۸۴ رای به‌عنوان اعضای اصلی و هادی آفریده با ۵۴ رای و شیرین برقی‌نورد با ۴۰ رای به عنوان اعضای علی‌البدل شورای مرکزی انتخاب شدند.



از هر نظری، ضرر

همه چیز تمام شدیم

پوریا عالمی

● رییس کلانتری تهرانسر از دستگیری سارق خبر داد که خودرو ۲۰۶ را به‌همراه همسر مالباخته روده بود. (ایسنا) داریم همه‌چیز تمام می‌شویم، منتها سرتو، حالا ممکن است همه همه‌چیز تمام نشده باشیم، ولی بعضی‌ها توی این سال‌ها یک‌دفعه به همه‌چیز رسیدند. نمونه گندهاش که کاملاً تو چشم است، محمودرضا خاوری بود که سه‌هزار میلیارد به‌همراه شرکا تخورخو کرد و بعد هم رفت بغل «سلین دیون»، همسایه‌شان شد شرکایش هم یک مشت آدم موجه همه‌چیز تمام. یا همین الان که گزارش سازمان تامین‌اجتماعی منتشر شده، آدم می‌بیند هی‌هی، اینکه می‌گفتند توی خیابان‌های تهران پول پارو می‌کنند پُر هم بیراه نبوده، منتها حالا در همین سازمان تامین اجتماعی دلاوران پولی پارو کرده‌اند که میرس، حالا کی‌ها پارو کردند؟ یک مشت آدم موجه همه‌چیز تمام خب دیگر، مردم کی را سرلوحه قرار می‌دهند؟ یک مشت آدم موجه همه‌چیز تمام را. برگردیم سر حرفمان: وقتی مردم می‌بینند بعضی عزیزان و مسوولان و دلاوران، یک‌شبه راه صدساله را رفته‌اند، معلوم است که فکری می‌شوند مثل همان خاوری، هم بارش را بست، هم رفت بغل «سلین دیون»، همسایه‌شان شد. حالا ما بخواهیم پوستر «سلین دیون» را بخریم باید دنبال چهارتا آشنا بگردیم یا بخواهیم کنسرتش را ببینیم باید زنگ بزیم بیا بیدند بشقاب را روی پشت‌بام جابه‌جا کنند، بلکه پارازیت برای نیم‌ساعت برطرف شود. حالا وقتی خبر بالا را می‌خوانیم آدم می‌فهمد که سارق بدبخت از چه کسانی تأثیر گرفته است، تا بگویم همه‌چیز تمام شود، طفلک دستش نمی‌رسیده و گرنه بدش نمی‌آمد چیزی را که می‌زدند توش «سلین دیون» باشد. مثل استادش: محمودرضا خاوری. یا مثل دیگر استادان که گفتیم نمی‌توانیم اسمشان را ببریم که چون هتک می‌شود حرمتشان، برخلاف نویسندگان و روزنامه‌نگاران که می‌شود اسمشان را برد چون اصولاً حرمت ندارند که بشود هتکش کرد. حالا فردا کی با الگوبرداری از دلاوران چه‌کار خواهد کرد تا همه‌چیز تمام شود، ما نمی‌دانیم، فقط می‌دانیم که دلاوران همه‌چیز تمام شدند ما داریم تمام می‌شویم: تمام‌تمام.



نشانه‌هایی برای گمراهی

سعید رضوی‌فقیه

یک دیپلمات برجسته فرنگی که در نخستین سال‌های هزاره سوم میلادی سفارتخانه کشور متبوعش را در تهران اداره می‌کرده چند سال پیش خاطرات اقامتش را در ایران مکتوب و منتشر کرد تا قاب دیگری به تصاویر تاریخی ایران از چشم سیاحان و سفرنامه‌نویسان خارجی افزوده باشد. در جایی از این کتاب به نکته‌ای ظریف اشاره شده و آن هم اینکه: «در ایران برخی نشانه‌های راهنمایی و رانندگی را گویی آدم‌های بدجنس به قصد گمراه کردن و سردرگم ساختن رانندگان نصب کرده‌اند» وی به نقل خاطراتی در این زمینه پرداخته که هم جالب است و هم هشداردهنده. شاید در نگاه نخست این دآوری اندکی یا حتی بیش از اندکی، مغرضانه و مبالغه‌آمیز به نظر آید با این گمانه که اساساً در چشم غربی‌ها چه هنرمند، چه خبرنگار و چه دیپلمات، جز ضعف و عقباتدگی و نابسامانی در کشورهایی همچون ایران چیزی به چشم نمی‌آید. اما اگر نیک نظر کنیم و منصفانه در خیابان‌های درون شهر و جاده‌های بیرون شهر با چشم‌های باز و جست‌وجوگر بگردیم تقریباً به همان نتیجه‌ای خواهیم رسید که دیپلمات فرنگی یادشده

پاسخ به فراخوان

همدلی، چاره عبور از بحران

هوشنگ مرادی‌کرمانی

● در این روزها که آلودگی هوای تهران سرسام‌آور شده، باید مقداری از موقعیت‌هایی که به آن عادت کرده‌ایم فاصله بگیریم، خودخواه نباشیم و فکر نکنیم که در این جهان فقط ما مهم هستیم. مسوولیت بخش عمده‌ای از آلودگی هوای این‌روزها، به گردن مردم است. شهرداری، سازمان محیط‌زیست و... در درجه دوم هستند. اگر مردم برای مقابله با این وضعیت، همکاری نکنند هیچ‌کاری از دست این نهادها بر نمی‌آید. شهری که ما در آن زندگی می‌کنیم، متعلق به تکتک ماست، به همین دلیل سرنوشت همه ما در گرو سلامت و موقعیت این شهر است. نکته دیگری که در چنین شرایطی حائز اهمیت است، این است که ما در چنین شرایطی باید به فکر کودکان و نوجوانان باشیم، نسل جدیدی که هر یک از ما در برابر سلامت جسم و روان آنها مسوولیم. مسوولیت سنگینی هم داریم. اگر آنها مریض و عصبی باشند طبیعتاً آینده کشورمان در خطر خواهد بود. ما باید خودمان را در برابر معضلات شهر مسوول بدانیم و به مرور با عملکردمان این مسوولیت‌پذیری را به نسل جدید هم منتقل کنیم. نصیحت و سخنرانی ابدا کارساز نیست، باید طوری رفتار کنیم که بچه‌ها از ما بیاموزند که در قبال این وضعیت بی‌تفاوت نباشند. زمانی داستانی می‌خواندم که در آن قومی محاصره شده بودند و دشمن پشت دروازه شهرشان بود. این قوم دیوارهای خانه‌هایشان را سوراخ کرده و از این سوراخ‌ها آذوقه‌هایشان را با هم تقسیم کردند. همه با هم هماهنگ و همدل بودند و کسی آذوقه‌ای پنهان نمی‌کرد. خدا به این مردم رحم کرد و در قوم دشمن مرضی مهلک انداخت، که به ناچار پراکنده‌شان کرد. یعنی این مردم در سایه ترجم به یکدیگر زنده ماندند و از این بحران، عبور کردند. راه و رسم زنده‌ماندن در موسم بحران، همین همدلی‌هاست. اگر کسی به این فکر کند که «کلاه خودم را بچسبم که باد نبرده، طبیعی است که هم خودش ضرر می‌بیند و هم به جامعه اطرافش آسیب می‌رساند همدلی، چاره عبور از بحران‌هاست.

رویداد

«رضایی‌راد» و «شکسپیر» در پرسش

سیاست- آغاز می‌کند. علاقه‌مندان برای ثبت‌نام و کسب اطلاعات بیشتر در این مورد می‌توانند با موسسه «پرسش» تماس بگیرند.

شرق: «محمد رضایی‌راد» - نماینده‌نویس - از روز سه‌شنبه ۱۹ آذر ساعت ۱۷ در سگفتار جدید خود در موسسه پرسش را با عنوان «شکسپیر: عشق و

